



سرمقاله

سه عامل اصلی توسعه کشور

محمد صالح مصلحیان*

- تعداد زیاد دانش‌آموختگان بیکار،
- بازتولید تخصص‌های تکراری،
- فاصله گرفتن از علم و فناوری روز،
- ضعف علمی و انجام تحقیقات غیراصیل،
- پژوهش روی مسائلی که اهمیت و خواهان ندارند.

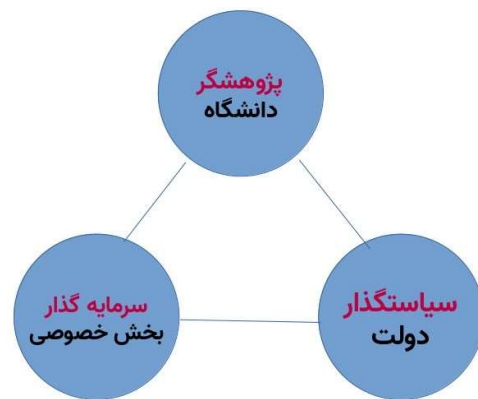
در همین راستا باید گفت که بعضی افراد با زیر سؤال بردن مقالات پژوهشی محققان کشور، کار آنان را کم‌اهمیت و بی‌فایده جلوه می‌دهند. البته نباید به «مقاله‌نویسی» اصالت داد بلکه باید به «پژوهش برنامه‌محور» که هم‌جهت و هم‌افق با نیازهای علم، صنعت و جامعه باشد و در جریان اصلی پژوهش‌ها در سطح بین‌المللی صورت گیرد اصالت و بها داده شود. بارها گفته‌ایم که مقاله «گزارش مستند نتایج پژوهش» است. با انتشار مقاله در نشریات معتبر بین‌المللی، دستاوردهای حاصل از تحقیق هر پژوهشگر، رویت‌پذیر، نقدپذیر، و کاربست‌پذیر می‌شود و به این ترتیب دوق و دوشاب و محقق و شبه محقق از هم تمیز داده می‌شوند. بنابراین، انتشار دستاوردهای پژوهشی در نشریات تخصصی بین‌المللی فاخر، بخش اجتناب‌ناپذیری از هر پژوهش است.

بخش مهمی از مشکلات ذکرشده به این برمی‌گردد که عده‌ای از سیاست‌مداران درک کامل و صحیحی از چرخه علم و فناوری و حتی مفاهیمی مانند علم، فناوری، توسعه پایدار، ارتباطات بین‌المللی و تأثیرگذاری اجتماعی ندارند. عمده توجه در کشورهای درحال توسعه مانند ایران معطوف به تحقیقات زودبازده است و غالباً به پژوهش‌های بنیادینی که زیربنای تحقیقات در مهندسی و سایر علوم را تشکیل می‌دهد و البته ممکن است دهه‌ها بعد نتایج آن‌ها کاربرد پیدا کند، اهمیت لازم داده نمی‌شود. درحالی که سیاست‌گذاران باید بتوانند افق را ببینند و دورنمایی درخشان را ترسیم و برای رسیدن به آن تلاش کنند، به مسائل نزدیک و حتی غیرعلمی توجه دارند و بنابراین نمی‌توانند به علوم (به طور اعم) برای داشتن علم و فناوری عمیق و ریشه دار به سوی توسعه پایدار توجه لازم را معمول دارند و لذا موجبات یأس و ناامیدی را در جامعه فراهم می‌نمایند.

*مدیر مسئول

توسعه یک کشور به سه عامل مهم وابسته است که روی هم تأثیر متقابل دارند:

- دولتمردانی که بتوانند قوانین و برنامه‌های مترقیانه‌ای برای توسعه کشور تدوین کنند و بر اجرای آن نظارت نمایند،
- سرمایه‌گذارانی که بتوانند به‌عنوان بخش خصوصی به اجرای برنامه‌ها بپردازند،
- نخبگان و دانشگاهیانی که بتوانند راهبردها و راهکارهای لازم را ارائه دهند.



وظیفه دانشگاه «تربیت نیروی انسانی متخصص، توسعه علم (تجربی و انسانی)، و گسترش فناوری» است. آن که بذر تولید می‌کند، همان نیست که باید بذر را در مزرعه بکارد؛ بزرگر با بزرگر فرق دارد. به‌طورکلی، دانشگاه برای حل مشکلات کشور راه‌کار علمی ارائه می‌دهد ولی اجرای آن با آن دو عامل دیگر است. اگر آن دو عامل کار خود را درست انجام ندهند، آیا انصاف است که تمام مشکلات پیش‌آمده به پای دانشگاهیان گذاشته شود؟!

در چند دهه اخیر، مهلک‌ترین ضربه به علم و فناوری کشور که دانشگاه‌ها را هم تحت تأثیر خود قرار داد، حذف اعزام دانشجو برای تحصیل در دوره‌های دکتری در علوم ریاضی به خارج از کشور و تخصیص حق‌الزحمه برای اعضای هیئت علمی در ازای راهنمایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (در فقدان یک سیستم نظام‌مند برای تعیین صلاحیت استادان راهنما و نظارت بر کار آن‌ها) بوده است که در کنار ضعف در تعاملات بین‌المللی، بسیاری از دانشگاه‌های ما را کم‌وبیش با مشکلات زیر روبه‌رو کرده است